

متن پرسش

سلام و عرض ادب خدمت استاد گرانقدر: در حال تنظیم پژوهشی هستیم با محوریت موضوع آزاد اندیشی. پرسش هایی طراحی شده است که تحت عنوان مصاحبه در پژوهش قرار داده می شود. لذا از شما استاد عزیز تمنا می کنم منت بگذارید و پرسش ها را جواب بدهید. ممنون از توجه شما. مقدمه زندگی بشری با گره، معضل و مسأله همراه است، به ویژه اگر در اندیشه تعالی باشد، خاص تر این که این تعالی در اندازه های یک تمدن باشکوه دیده شده باشد. دیدن این گره ها و معضلات اول گام پژوهش است. پژوهش زمانی آغاز می شود که معضلات را به مسأله تبدیل کنیم. طبیعی است جامعه مسلمانانی که با شعار و نگاه توحیدی برخاسته است و این خواسته بزرگ را مطمح نظر خویش قرار داده به مسأله هایی برخورد که در این مسیر قرار می گیرند و باعث رکود و باعث آزار می شوند. بلیه ای که در روزگار ما گریبانمان را گرفته این است که ما بدون توجه به زیست موحدانۀ تمدنی و بدون در نظر گرفتن مسأله های واقعی این حیات نوین به طرح اموری می پردازیم که در حیات غربی مسأله است و مربوط به آن سوگیری و آن بوم و اقلیم است. این اتفاق آنقدر طبیعی تکرار می شود که فرصت هشجاری به انسان مسلمان برخاسته نمی دهد. جهان غرب پس از اعراض از دین به یک زندگی مدرن رو آورد که خصیصۀ اصلی آن رها کردن همه دغدغه های ماورائی و عطف توجه به زندگی مادی بود. طبیعتاً این انسان جدید (مدرن) مسأله های خاص خود را داشت و با آنها معرفی می شد. این مسأله ها در دفتر فاخری به نام علم ثبت افتاده است و با چهره ای موجه و خواستنی خود را به جوامع دیگر حتی جوامع اسلامی تحمیل می کند. غربزدگی بالاترین محمل ناهشجاری علیه این نامسألگی است.

«آزاداندیشی» در جهان غرب به عنوان یک مطلوبیت حیات مدرن مورد رصد قرار گرفته است؛ هم به خاطر توجه به «اندیشه» و هم به خاطر توجه به «آزادی». نگاه مادی انسان گرای غربی تفسیری خاص خود از حقیقت و مرتبت «اندیشه» دارد و وقتی آن را به عنوان یک ارزش و مطلوبیت مطرح می کند چیزی را رصد می کند که با نگاه الهی و توحیدی نمی توان آن را دید یا به رسمیت شناخت. همچنین است، آنگاه که از «آزادی» نام می برد و سود یا زیان آن را برمی شمرد. حال پرسش ما از شما فرهیخته گرامی این است که: • آیا با دوگانه مسأله توحیدی (اسلامی)/ مسأله مدرن همراه هستید؟ اگر نه به نظرتان چه دوگانه ای اصالت دارد؟ • تعریف جوهری مسأله مدرن چیست؟ به عبارت دیگر مقوم مسأله مدرن بودن به چیست؟ • به چه مناطی ما مسائل را به مسأله توحیدی/مدرن تقسیم کنیم؟ • آیا «آزاداندیشی» در حیات مدرن از چنین موقفی برخوردار بوده است (یک مسأله مدرن بوده است)؟ • آیا «آزاداندیشی» می تواند یک مسأله توحیدی باشد؟ • آیا می توان همان چیزی که در آن جامعه و آن

تاریخ و آن زندگی منتخب به عنوان یک مطلوبیت مطرح می‌شده است را در حیات اسلامی نیز به عنوان یک مطلوب قرائت نمود؟ • آیا امکان این هست که اندیشمند مسلمان یا جوان جویای سعادت در این زندگی الهی در تعریف مسأله و بیان مطلوبیت آن از ادبیات غیراسلامی و زاویه‌نگاه‌های مادی و غربی استفاده نماید؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فدای شما شوم! حتماً عنایت دارید که این سؤالات و مباحثی که به میان آورده‌اید نیاز به یک مثنوی هفتاد من دارد و اتفاقاً با توجه به وسعت این مباحث در همین راستا یادداشت‌های «رابطه مردمی‌بودن نظام اسلامی و آزادی»
<https://eitaa.com/matalebevijeh/11928> تنظیم گشت و جلساتی در همین رابطه برقرار شد که جلسه یازدهم آن در روز سه شنبه ۱۷ آبان‌ماه برقرار شد

<https://eitaa.com/matalebevijeh/11995> . إن شاء الله با دنبال کردن مطالبی که در یادداشت مذکور هست و شرح صوتی آن مباحث، بتوانیم جوابگوی نکاتی باشیم که مطرح کرده‌اید. موفق باشید